



انديشكده فرهنگ و توسعه

يادداشت



نويسنده: رومن بارتولي

منبع انتشار: CIRCE

تاريخ انتشار: ۲۰۲۶

تأثير خلاقانه

تعريف مجدد فرهنگ و CCE به عنوان کاتاليزوري براي تغيير سيستمي



در دوران کنونی که با بحران‌های اقلیمی، نابرابری اجتماعی و تغییرات سریع فناوری همراه است، جوامع اغلب برای یافتن راه‌حل به علم، سیاست‌گذاری یا اقتصاد روی می‌آورند. با این حال، یکی از محرک‌های قدرتمند تحول سیستمی که اغلب نادیده گرفته می‌شود، فرهنگ است. فرهنگ که یونسکو (۲۰۰۱) آن را به عنوان ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و عاطفی یک جامعه (شامل هنر، سبک زندگی و باورها) تعریف کرده است، ارزش‌ها، هویت‌ها و رفتارهای ما را شکل می‌دهد. این متخصصان خلاق هستند، یعنی هنرمندان، طراحان، نوآوران و به طور کلی اقتصادهای فرهنگی و خلاق (CCE)، که فرهنگ را به پیش می‌برند. اما آیا فرهنگ و اقتصادهای فرهنگی و خلاق می‌توانند نقشی محوری در پرداختن به چالش‌های پیچیده اجتماعی ایفا کنند؟ این پرسش در مرکز مفهوم تأثیر خلاقانه قرار دارد.

تأثیر خلاقانه را می‌توان به عنوان تغییر اجتماعی مثبتی تعریف کرد که ناشی از استفاده آگاهانه از شیوه‌های خلاقانه، بیان‌های فرهنگی و راهبردهای مشارکتی پیرامون فرهنگ برای پرداختن به چالش‌های اجتماعی است. این مفهوم شامل متخصصان خلاق است که به عنوان کارآفرینان سیستمی عمل می‌کنند، جوامع را به طور فعال درگیر می‌سازند، ساختارهای قدرت موجود و الگوهای ذهنی را به چالش می‌کشند و راهبردهایی را اجرا می‌کنند که به تغییری عمیق و پایدار می‌انجامد. با افزایش آگاهی، نوآوری و خلق مشترک، افراد خلاق در سراسر رشته‌ها و بخش‌ها فعالیت می‌کنند تا نوآوری اجتماعی را ترویج دهند، سرمایه اجتماعی را بسازند و جوامع را توانمند سازند و در نهایت تحول سیستمی را تقویت کنند.

تأثیر خلاقانه در بستر تغییر

تأثیر خلاقانه با گفتمانی گسترده‌تر هم‌راستا است که سال‌هاست حول مفاهیم کلیدی‌ای مانند کارآفرینی اجتماعی، نوآوری اجتماعی، تأثیر اجتماعی و جمعی، تغییر اجتماعی و تغییر سیستمی می‌چرخد. هر یک از این مفاهیم چالش‌های اجتماعی را از طریق رویکردهای نوآورانه و مشارکتی مورد بررسی قرار می‌دهند و زنجیره‌ای از فرآیندهای به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند:

تغییرات سیستمی

- تحولات بنیادین در سیاست‌ها، فرآیندها، روابط و ساختارهای قدرت.

تغییرات اجتماعی

- تغییرات قابل توجه در الگوهای رفتاری و ارزش‌های فرهنگی در طول زمان.

تأثیر جمعی

- همکاری ساختارمند میان ذی‌نفعان متنوع برای حل مسائل پیچیده.

تأثیر اجتماعی

- اثرات فعالیت‌ها بر جامعه و رفاه و خوشبختی جوامع.

کارآفرینی اجتماعی

- کارآفرینان با راه‌حل‌های نوآورانه به حل مسائل اجتماعی می‌پردازند.

نوآوری اجتماعی

- ایده‌های جدید که نیازهای اجتماعی را برآورده کرده و رفاه اجتماعی را به بهبود می‌بخشند.

کارآفرینی اجتماعی به عنوان یکی از رویکردهایی عمل می‌کند که در آن تفکر کارآفرینانه با مأموریت‌های اجتماعی تلاقی می‌یابد تا راه‌حل‌های نوآورانه توسعه یابد. این راه‌حل‌ها که به عنوان نوآوری‌های اجتماعی شناخته می‌شوند، از ابتکارات کارآفرینانه یا سایر زمینه‌ها پدید می‌آیند و پاسخ‌هایی ملموس و عملی برای چالش‌های اجتماعی مشخص ارائه می‌دهند. موفقیت آن‌ها معمولاً بر اساس تأثیر اجتماعی‌شان، یعنی تغییرات و بهبودهای قابل اندازه‌گیری‌ای که در جامعه ایجاد می‌کنند، ارزیابی می‌شود. اگرچه تلاش‌های فردی می‌توانند تغییر ایجاد کنند، تأثیر جمعی این اثرات را به طور قابل توجهی تقویت می‌کند. با هم‌راستا کردن ذی‌نفعان گوناگون حول یک راهبرد مشترک، تأثیر جمعی اقدامی هماهنگ را تقویت می‌کند. با این حال، تغییری تأثیرگذار می‌تواند از تلاش‌های ناهماهنگ یا رویدادهای غیرمنتظره نیز نتیجه شود که نشان‌دهنده ماهیت غیرقابل پیش‌بینی تحول اجتماعی است. این تلاش‌ها در مجموع به تغییر اجتماعی، یعنی جابه‌جایی عمیق در رفتارها، ساختارهای اجتماعی، کمک می‌کنند. چنین تغییری می‌تواند ناشی از اقدامات آگاهانه یا برانگیخته‌شده توسط تکانه‌های بیرونی باشد. هدف نهایی، با





این چالش، تغییر سیستمی است که فراتر از مداخلات مجزا می‌رود. تغییر سیستمی در پی بازتعریف و تحول ساختارها، فرآیندها و پویایی‌های قدرتی است که چالش‌های پیچیده اجتماعی را حفظ می‌کنند. این چارچوب گسترده برای تأثیر و تغییر، عدسی مفیدی برای نگرستن به تحول اجتماعی است و پرسشی مهم را مطرح می‌کند: آیا این چارچوب از پیش جوهر تأثیر خلاقانه را در بر می‌گیرد یا چیزی منحصربه‌فرد در آن وجود دارد؟

فرهنگ، اقتصادهای فرهنگی و خلاق و نقش آن‌ها در پرداختن به چالش‌های اجتماعی

اقتصادهای فرهنگی و خلاق به دلیل ویژگی‌های ساختاری، عملیاتی و فلسفی خود، جایگاهی منحصربه‌فرد برای پرداختن به چالش‌های پیچیده دارند. پنج ویژگی وجود دارد که آن‌ها را از سایر حوزه‌ها متمایز می‌کند و برجسته می‌سازد.

نوآوری در شرایط عدم قطعیت: اقتصادهای فرهنگی و خلاق عمدتاً در قالب کسب‌وکارهای کوچک یا افراد شاغل مستقل فعالیت می‌کنند (BMW، ۲۰۲۲). این ساختار سبک، چابکی و تدبیر را تقویت می‌کند، ویژگی‌هایی که این اقتصادها را قادر می‌سازد

حتی با منابع مالی محدود نوآوری کنند. علاوه بر این، بازارهای فرهنگی با عدم قطعیت همراهند زیرا محصولات فرهنگی «کالاهای تجربی» هستند که ارزش واقعی آن‌ها تنها پس از مصرف مشخص می‌شود. این پیش‌بینی‌ناپذیری، فعالان این اقتصادها را وادار می‌کند ریسک‌های قابل توجهی بپذیرند و پیوسته نوآوری کنند (Caves، ۲۰۰۰؛ Hesmondhalgh، ۲۰۱۹). در عین حال، این انعطاف‌پذیری ممکن است به قیمت شرایط کاری ناپایدار و درآمد بی‌ثبات تمام شود. زمانی که با سیاست‌گذاری‌های مؤثر و شیوه‌های عادلانه کاری حمایت شوند، این اقتصادها می‌توانند رویکردهای نوآورانه‌ای برای مقابله با چالش‌های پیچیده اجتماعی ارائه دهند.

جای‌گیری راه‌حل‌ها در فرهنگ: اقتصادهای فرهنگی و خلاق در موقعیتی مناسب برای ادغام راه‌حل‌ها در روایت‌ها و شیوه‌های فرهنگی قرار دارند و بدین ترتیب آن‌ها را معنادارتر، تأثیرگذارتر و متناسب‌تر با زمینه می‌سازند (Bianchini و Landry، ۱۹۹۵؛ Matarasso، ۲۰۱۹). با هم‌راستا کردن ابتکارات با ارزش‌ها، سنت‌ها و روایت‌های مشترک، این کسب‌وکارها می‌توانند پذیرش و ماندگاری ایده‌های جدید را، چه در زمینه پایداری زیست‌محیطی، چه در حمایت از سلامت، چه در انسجام اجتماعی، تقویت کنند. با این حال، این جای‌گیری فرهنگی تضمین‌شده نیست و می‌تواند خطر تحمیل روایت‌های بیرونی بدون مشارکت واقعی جامعه را در بر داشته باشد. زمانی که اقتصادهای فرهنگی و خلاق به شکلی اصیل با زمینه‌های محلی درگیر شوند و با ذی‌نفعان گوناگون همکاری کنند، جای‌گیری فرهنگی می‌تواند اشکالی زمینه‌مند و پایدار از تغییر مثبت را الهام بخشد.

پل زدن بر شکاف‌ها و ترویج فراگیری: ابتکارات فرهنگی و خلاق پتانسیل تقویت مشارکت، پل زدن بر شکاف‌های اجتماعی و ترویج حوزه عمومی فراگیرتر را دارند (Hall، ۱۹۹۷؛ Matarasso، ۱۹۹۷). با گسترش دسترسی فرهنگی، بازتعریف روایت‌های غالب و پرورش «ظرفیت آرزومندی» در جوامع به حاشیه‌رانده‌شده (Appadurai، ۲۰۰۴)، اقتصادهای فرهنگی و خلاق می‌توانند تغییر اجتماعی معناداری را به پیش برانند. با این حال، این نتایج خودکار نیستند (Banks، ۲۰۱۷). دستیابی به آن‌ها مستلزم پرداختن به عدم توازن‌های قدرت، تقویت همکاری پایدار جامعه و ایجاد چارچوب‌های سیاست‌گذاری حمایتی است. زمانی که با آگاهی و دقت اجرا شوند، ابتکارات فرهنگی می‌توانند مشارکت اجتماعی را تحریک کنند، از دموکراسی فرهنگی حمایت کنند و قابلیت‌های انسانی را گسترش دهند (Throsby، ۲۰۰۱).

نوآوری مشارکتی و تأثیر جمعی: کسب‌وکارهای فرهنگی و خلاق (CCE) اغلب در شبکه‌های پویای همکاری فعالیت می‌کنند، جایی که ایده‌ها و منابع از طریق کار پروژه‌محور و خوشه‌های خلاق جریان می‌یابند (Söndermann و همکاران، ۲۰۰۹). این رویکرد مشارکتی امکان شکل‌گیری تأثیر جمعی را فراهم می‌کند و به ذی‌نفعان گوناگون اجازه می‌دهد نتایجی فراتر از توان هر بازیگر منفرد به دست آورند (Kania و Kramer، ۲۰۱۱). برای تحقق چنین تأثیری، تعهد پایدار، هماهنگی راهبردی و سازوکارهایی برای اندازه‌گیری و یادگیری از نتایج ضروری است. زمانی که این شرایط برآورده شوند، همکاری‌های هدایت‌شده توسط اقتصادهای فرهنگی و خلاق می‌توانند ائتلاف‌های گسترده را متحد کنند، یادگیری مشترک را تقویت کنند و تغییر سیستمی را در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به پیش برانند.



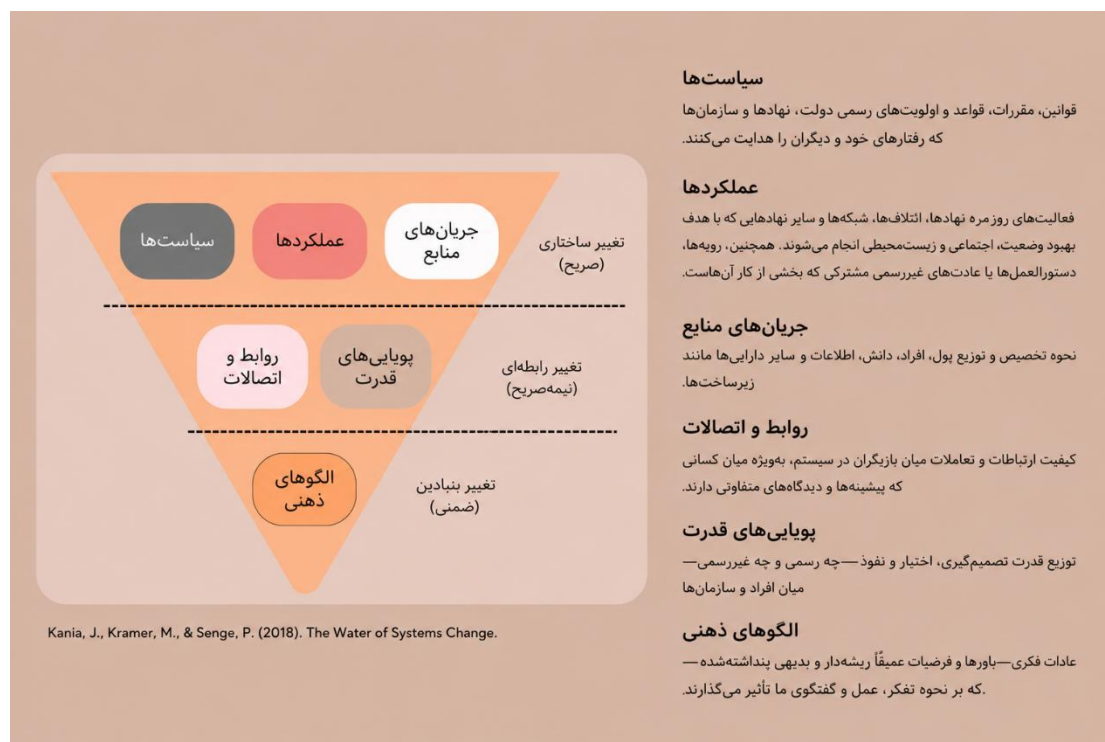


یادداشت

پیشگامی به عنوان اولین پذیرندگان و پیشروان: اقتصادهای فرهنگی و خلاق مکرراً با فناوری‌های نوظهور، روش‌های هنری و شیوه‌های جدید تولید درگیر می‌شوند و به اولین پذیرندگانی تبدیل می‌شوند که می‌توانند نوآوری اجتماعی و فناورانه را به پیش برانند (Potts و همکاران، ۲۰۱۴؛ Florida, ۲۰۱۴). این جهت‌گیری آینده‌نگر ممکن است آن‌ها را در جایگاه پیشروانی در پرداختن به چالش‌های اجتماعی، از سازگاری اقلیمی تا فراگیری دیجیتال، قرار دهد. با این حال، دامنه این تلاش‌های پیشگامانه می‌تواند نابرابر باشد و توزیع نابرابر منابع و دسترسی به فرصت‌های مهارت‌افزایی را بازتاب دهد. زمانی که با زیرساخت حمایتی و رویکردی فراگیر همراه شوند، پذیرش زودهنگام ابزارها و شیوه‌های جدید توسط این اقتصادها می‌تواند پتانسیل تحول‌آفرین گسترده‌تر و تاب‌آوری بلندمدت را در مواجهه با تغییر برانگیزد.

درک تاثیر خلاقانه از منظر سیستمی

داشتن ویژگی‌های منحصربه‌فرد به تنهایی روشن نمی‌کند که تأثیر ایجادشده توسط اقتصادهای فرهنگی و خلاق و فرهنگ به عنوان یک رسانه، چگونه به طور مشخص در پرداختن به چالش‌های اجتماعی نقش دارد. برای درک کامل پتانسیل تحول‌آفرین تأثیر خلاقانه، لازم است آن را در چارچوب شش شرط تغییر سیستمی، آن‌گونه که Kania، Kramer و Senge (۲۰۱۸) تشریح کرده‌اند، قرار داد. به گفته آن‌ها، تغییر سیستمی به معنای «جابه‌جا کردن شرایطی است که مسئله‌ای را در جای خود نگه می‌دارند». برای پرداختن مؤثر و پایدار به مسائل اجتماعی، کافی نیست تنها به نشانه‌ها پرداخته شود بلکه باید به شرایط زیربنایی‌ای پرداخته شود که مسائل اجتماعی را در جای خود نگه می‌دارند. شکل ۱ شش شرط به هم پیوسته را نشان می‌دهد که اغلب مسائل اجتماعی یا زیست‌محیطی را حفظ می‌کنند. این شرایط از نظر میزان دیده‌شدن‌شان متفاوت‌اند، امری که تحت تأثیر میزان صراحت یا ملموس بودن آن‌ها برای افراد درگیر در سیستم قرار دارد. اگرچه هر شرط می‌تواند به طور جداگانه تعریف، اندازه‌گیری و هدف‌گذاری شود، این شرایط به شدت به هم پیوسته‌اند و تعاملاتی دارند که می‌توانند تلاش‌های تغییر سیستمی را تقویت یا خنثی کنند. قابل توجه است که شرایط کمتر قابل مشاهده، مانند الگوهای ذهنی (به عنوان مثال، تعصبات مرتبط با نژاد، جنسیت یا سایر هنجارهای اجتماعی ریشه‌دار)، اغلب دشوارترین شرایط برای شناسایی و پرداختن هستند اما بیشترین پتانسیل را برای تغییر تحول‌آفرین دارند.



تأثیر خلاقانه در پنج مورد از این شرایط عمل می‌کند و مشارکت‌های منحصربه‌فردی ارائه می‌دهد که هم ملموس‌اند و هم تحول‌آفرین:





جریان‌های منابع: اقتصادهای فرهنگی و خلاق بر نحوه تولید، توزیع و ارزش‌گذاری منابع (مالی، فکری و اجتماعی) تأثیر می‌گذارند. با مشارکت در شبکه‌های خلاق جهانی و منطقه‌ای، جوامع می‌توانند به مخاطبان گسترده‌تر، فرصت‌های تأمین مالی و بسترهای مشارکتی که از مرزهای بازار سنتی فراتر می‌روند دسترسی پیدا کنند (کمیسسیون اروپا، ۲۰۲۱). ابتکارات مکان‌آفرینی خلاق و مناطق فرهنگی (Grodach، ۲۰۲۰) نشان می‌دهند که چگونه مداخلات فرهنگی می‌توانند از اکوسیستم‌های هنری محلی حمایت کنند، تبادل دانش را ممکن سازند و سرمایه‌گذاری را به سمت مناطق کمتر برخوردار هدایت کنند و به طور بالقوه الگوهای عادلانه‌تری از توسعه فرهنگی و اقتصادی را تقویت کنند. با این حال، مهم است تصدیق شود که این اقتصادها اغلب عدم توازن‌های قدرت موجود را بازتاب می‌دهند و می‌توانند انحصاری باشند و برخی گروه‌ها یا جغرافیاها را نسبت به سایرین ترجیح دهند (Oakley و O'Brien، ۲۰۱۵).

شیوه‌ها: شیوه‌های فرهنگی به عنوان مخازن حافظه، هنجارها و ارزش‌های اخلاقی عمل می‌کنند و به جوامع راهنمایی برای حل مسئله و همکاری ارائه می‌دهند. با ترکیب دانش سنتی با روش‌شناسی‌های خلاقانه، این اقتصادها می‌توانند راه‌حل‌هایی تولید کنند که هویت‌های محلی را بازتاب دهند، مشارکت فراگیر را تشویق کنند و نوآوری‌های مبتنی بر اخلاق را الهام بخشند (Brown، ۲۰۰۸؛ یونسکو، ۲۰۲۲). برای مثال، ابتکارات خلق مشترک، مانند طراحی مشارکتی در بازآفرینی شهری، مشارکت مبتنی بر هنر را برای پرداختن به مسائل معاصر چون انسجام اجتماعی، توسعه اقتصادی و تاب‌آوری زیست‌محیطی ادغام می‌کنند (Grodach، ۲۰۲۰؛ کمیسسیون اروپا، ۲۰۲۱). گنجاندن ارزش‌های فرهنگی و دانش سنتی در چارچوب‌های گسترده‌تر، از جمله تلاش‌های متمرکز بر پایداری، این راه‌حل‌ها را از نظر زمینه‌ای مرتبط‌تر و پایدارتر می‌سازد (Dessein و همکاران، ۲۰۱۵). در نهایت، فرهنگ طیف متنوعی از شیوه‌های سازگار، فراگیر و آینده‌نگر را شکل می‌دهد.

روابط و پیوندها: فعالیت‌های فرهنگی و همکاری‌های خلاق پیوندهای اجتماعی را تقویت می‌کنند، اعتماد را ایجاد می‌کنند و سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهند. ابتکارات فرهنگی مشترک، از جشنواره‌های محلی تا تبادلات فرهنگی فرامرزی، شبکه‌های رابطه‌ای جدیدی ایجاد می‌کنند که شکاف‌ها را پل می‌زنند و همکاری را تشویق می‌کنند. نشان داده شده است که چنین ابتکاراتی ائتلاف‌های فراگیر توانمند به پرداختن به چالش‌های پیچیده را ترویج می‌دهند (Matarasso، ۱۹۹۷). با پیوند دادن ذی‌نفعان گوناگون (هنرمندان، سیاست‌گذاران، مؤسسات آموزشی و سازمان‌های جامعه مدنی)، پروژه‌های مبتنی بر فرهنگ محیط‌هایی را پرورش می‌دهند که در آن‌ها ارتباط، همدلی و همکاری به عنوان ارزش‌های بنیادین ظهور می‌کنند (Kaszynska و Crossick، ۲۰۱۶). بدین ترتیب بافت رابطه‌ای لازم برای تغییر سیستمی پایدار را تقویت می‌کنند.

پویایی‌های قدرت: بازنمایی فرهنگی و بیان خلاقانه پتانسیل پرداختن به پویایی‌های قدرت را از طریق ارائه بسترهایی برای صداهایی دارند که تاریخاً از سیاست‌گذاری و گفتمان عمومی کنار گذاشته شده‌اند. ابتکاراتی مانند فیلم مستند، رادیوی جامعه‌محور یا انجمن‌های مبتنی بر هنر می‌توانند روایت‌های به حاشیه‌رانده‌شده را مشروعیت بخشند و تقویت کنند، پارادایم‌های غالب را به چالش بکشند و در برخی موارد، نفوذ را بازتوزیع کنند (Carpentier، ۲۰۱۱). با این حال، توانایی این اقتصادها برای تحول روابط قدرت تضمین شده نیست. بدون توجه دقیق به نابرابری‌های ساختاری، توزیع منابع و شیوه‌های دروازه‌بانی درون این اقتصادها، ابتکارات فرهنگی می‌توانند ناخواسته سلسله‌مراتب موجود را تقویت کنند (Banks، ۲۰۱۷؛ Hesmondhalgh، ۲۰۱۹).

الگوهای ذهنی: تحول الگوهای ذهنی، یعنی باورها، فرضیات و تعصبات زیربنایی‌ای که رفتار انسانی را هدایت می‌کنند، یکی از چالش‌برانگیزترین جنبه‌های تغییر سیستمی است (Kramer، Kanania و Senge، ۲۰۱۸). روایت‌های خلاقانه، قصه‌گویی و هنر می‌توانند به جوامع کمک کنند تا در کلیشه‌های ریشه‌دار بازنمایی کنند، مسائل مهم را بازتعریف کنند و آینده‌های جایگزین را تصور کنند (Benford و Snow، ۲۰۰۰؛ Minkiewicz، Evans و Bridson، ۲۰۱۴). برای مثال، بازتعریف تلاش‌های سازگاری اقلیمی نه صرفاً به عنوان راه‌حل‌های فناورانه بلکه به عنوان روایت‌های فرهنگی مشترک می‌تواند مشارکتی معنادارتر را الهام بخشد. با بازآفرینی هویت‌ها و آرزوهای جمعی، تأثیر خلاقانه جوامع را تشویق می‌کند الگوهای جدیدی از تفکر و عمل را که زیربنای تحولات سیستمی هستند، اتخاذ کنند.

مهم است تأکید شود که تأثیر خلاقانه اغلب همزمان به چند شرط می‌پردازد و با تأثیرگذاری بر جریان‌های منابع، شیوه‌ها، روابط، پویایی‌های قدرت و الگوهای ذهنی به طور همزمان، تعاملات پویایی را تقویت می‌کند (نگاه کنید به مقاله ۲). با بهره‌گیری از فرهنگ و خلاقیت، تأثیر خلاقانه می‌تواند به چالش‌های سیستمی به شیوه‌هایی نوآورانه، فراگیر و پایدار پاسخ دهد. بدین ترتیب، تأثیر خلاقانه نه تنها محرکی برای تحول سیستمی است بلکه نقشه راهی برای آینده‌ای عادلانه‌تر و تاب‌آورتر نیز محسوب می‌شود.





در حالی که چارچوب‌های گسترده‌تر کارآفرینی اجتماعی، نوآوری اجتماعی و تغییر سیستمی بنیانی محکم برای درک تحول اجتماعی فراهم می‌کنند، تأثیر خلاقانه مجموعه‌ای متمایز از نقاط قوت را به میان می‌آورد. نخست، این تأثیر مسائل پیچیده را انسانی می‌کند، با تبدیل چالش‌های انتزاعی اجتماعی، مانند تغییرات اقلیمی یا نابرابری، به تجربیاتی ملموس و از نظر عاطفی تأثیرگذار، از طریق روش‌های خلاقانه و قالب‌های فرهنگی. دوم، تأثیر خلاقانه از طریق ریسک و آزمایشگری نوآوری می‌کند. برخلاف بخش‌های سنتی، اقتصادهای فرهنگی و خلاق با تحمل بالایی نسبت به ریسک و عدم قطعیت فعالیت می‌کنند و پیوسته مرزها را برای توسعه راه‌حل‌های غیرمنتظره جابه‌جا می‌کنند. این تمایل به آزمایشگری تضمین می‌کند که تأثیر خلاقانه همچنان محرکی برای نوآوری باقی بماند. سوم، تأثیر خلاقانه ارزش اجتماعی فراتر از بازارها ایجاد می‌کند. در حالی که این اقتصادها سهم قابل توجهی در رشد اقتصادی دارند، ارزش واقعی آن‌ها در توانایی‌شان برای ایجاد منافع اجتماعی، یعنی آموزش، مشارکت جامعه و انسجام اجتماعی، از طریق تولید فرهنگی نهفته است (Bakhshi و Throsby، ۲۰۱۰). چهارم، تأثیر خلاقانه تغییر سیستمی را پیش می‌برد. به جای پرداختن به مسائل مجزا، این تأثیر در پی تحول ساختارهای زیربنایی‌ای است که چالش‌های اجتماعی را حفظ می‌کنند. با پرورش ذهنیت‌ها، شیوه‌ها و رویکردهای مشارکتی جدید و با بازتعریف سیستم‌های ریشه‌دار، تأثیر خلاقانه تغییر ساختاری پایدار و ارائه‌دهنده منافع اجتماعی معنادار را به پیش می‌برد.

تأثیر خلاقانه صرفاً زیرمجموعه‌ای از چارچوب‌های گسترده‌تری چون کارآفرینی اجتماعی یا نوآوری نیست. این تأثیر رویکردی متمایز را نمایندگی می‌کند که از قدرت فرهنگ و خلاقیت برای پرداختن به چالش‌های اجتماعی به شیوه‌هایی نوآورانه، فراگیر و تحول‌آفرین بهره می‌گیرد. اگرچه بیان فرهنگی همیشه لازم نیست هدفی مستقیم اجتماعی یا اقتصادی داشته باشد، ارزش ذاتی آن به عنوان منبعی برای کاوش زیبایی‌شناختی و شکل‌گیری هویت نباید نادیده گرفته شود.

در حالی که جهان با چالش‌های روزافزون پیچیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کند، ضرورت حمایت و تقویت فرهنگ و تأثیر خلاقانه هرگز به این اندازه فوری نبوده است. سیاست‌گذاران، سازمان‌ها و ذی‌نفعان باید نقش منحصربه‌فرد فرهنگ و اقتصادهای فرهنگی و خلاق را با سرمایه‌گذاری در توانایی آن‌ها برای غنی کردن زندگی افراد و پیش‌برد تغییر سیستمی به رسمیت بشناسند. با ادغام بینش‌های فرهنگی، تقویت همکاری و اولویت‌بندی فراگیری، متخصصان خلاق می‌توانند آینده‌ای عادلانه‌تر، پایدارتر و تاب‌آورتر شکل دهند. بنابراین، تأثیر خلاقانه به ما یادآوری می‌کند که فرهنگ صرفاً آینده‌ای نیست که جامعه را بازتاب می‌دهد، بلکه نیرویی است که قادر به تحول آن است.

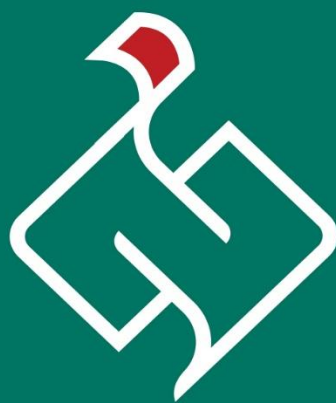
منابع:

- Appadurai, A. (2004). *The Capacity to Aspire: Culture and the Terms of Recognition*. In V. Rao & M. Walton (Eds.), *Culture and Public Action*. Stanford University Press.
- Bakhshi, H., & Throsby, D. (2010). *Culture of Innovation: An Economic Analysis of Innovation in Arts and Cultural Organisations*.
- Banks, M. (2017). *Creative Justice: Cultural Industries, Work and Inequality*. Rowman & Littlefield.
- BMWK (2022). *2022 Cultural and Creative Industries Monitoring Report*.
- Brown, T. (2008). *Change by Design: How Design Thinking Creates New Alternatives for Business and Society*.
- Carpentier, N. (2011). *Media and Participation: A Site of Ideological-Democratic Struggle*.
- Caves, R. E. (2000). *Creative Industries: Contracts Between Art and Commerce*.
- Crossick, G., & Kaszynska, P. (2016). *Understanding the Value of Arts & Culture: The AHRC Cultural Value Project*. Arts and Humanities Research Council (AHRC).
- Dessein, J., Soini, K., Fairclough, G., & Horlings, L. (Eds.) (2015). *Culture in, for and as Sustainable Development: Conclusions from the COST Action IS1007 Investigating Cultural Sustainability*. University of Jyväskylä.
- European Commission (2021). *Cultural and creative sectors in post-COVID-19 Europe*. European Commission.
- Florida, R. (2014). *The Rise of the Creative Class – Revisited*. Basic Books.
- Grodach, C. (2017). Urban cultural policy and creative city making. *Cities*, 68(1), 82–91.



- Hall, S. (1997). *Representation: Cultural Representations and Signifying Practices*.
- Hesmondhalgh, D. (2019). *The Cultural Industries* (4th ed.). SAGE.
- Kania, J., Kramer, M., & Senge, P. (2018). *The Water of Systems Change*.
- Kania, J., & Kramer, M. (2011). Collective impact. *Stanford Social Innovation Review*, Winter 2011.
- Landry, C., & Bianchini, F. (1995). *The Creative City*. Demos.
- Matarasso, F. (1997). *Use or Ornament? The Social Impact of Participation in the Arts*. Comedia.
- Minkiewicz, J., Evans, J., & Bridson, K. (2014). How do consumers co-create their experiences? An exploration in the heritage sector. *Journal of Marketing Management*, 30(1–2), 30–59.
- O'Brien, D., & Oakley, K. (2015). *Cultural Value and Inequality: A Critical Literature Review*. Swindon: Arts and Humanities Research Council (AHRC).
- Potts, J., Cunningham, S., Hartley, J., & Ormerod, P. (2008). Social network markets: A new definition of the creative industries. *Journal of Cultural Economics*, 32(3), 167–185.
- Snow, D. A., & Benford, R. D. (2000). Clarifying the relationship between framing and ideology. *Mobilization: An International Quarterly*, 5(1), 55–70.
- Söndermann, M., Backes, C., Arndt, O., & Brümmer, F. (2009). *Gesamtwirtschaftliche Perspektive der Kultur- und Kreativwirtschaft in Deutschland*.
- UNESCO (2001). *Definition of Culture*. Retrieved from UNESCO Policy Toolbox.
- UNESCO (2022). *Re|Shaping Policies for Creativity: Addressing Culture as a Global Public Good*. UNESCO Publishing.





انديشكده فرهنگ و توسعه

 WWW.CDSTT.IR

 [CDSTT.IR](https://www.instagram.com/cdstt.ir)

 [CDSTT](https://twitter.com/cdstt)